

## اصول عكاسي معماري



ساخت بناهاي متفاوت توسط بشر براي منظورها و کاربردهاي مختلف بوده است. بناهاي مذهبي، دولتي، صنعتي، يادبود، تجاري، مسكوني و گونه‌هاي مختلف ديگر هر يك کاربردي ويژه دارند كه بي‌ترديد شكل ظاهري آنها نيز متفاوت است.

ساخت بناهاي متفاوت توسط بشر براي منظورها و کاربردهاي مختلف بوده است. بناهاي مذهبي، دولتي، صنعتي، يادبود، تجاري، مسكوني و گونه‌هاي مختلف ديگر هر يك کاربردي ويژه دارند كه بي‌ترديد شكل ظاهري آنها نيز متفاوت است. اقوام مختلف با توجه به فرهنگ و بينش خود، براي ساخت و تزئين برخي بناها اهميت بيشتري قايل هستند. مثلاً مسلمانان همواره در ساخت و تزئين مساجد، زيارتگاهها و اماكن مذهبي با هنرمندي و ظرافت خاصي عمل کرده‌اند، به گونه‌اي كه مشابه آن در ديگر بناها كمتر يافت مي‌شود. تنوع اين بناها نيز بسيار چشمگير است كه در هر نقطه و مكاني به شيوه‌اي خاص بوده است. توده مواد موجود در فضا كه به صورت يك يا چندين حجم توخالي ساخته مي‌شوند، معماري را شكل مي‌دهد. اين فضاهي توخالي براي فعاليت انسانهاست. به جز موارد خاص، معماري هنر نيست. حتي بناهاي يادبودي كه ظاهراً استفاده‌اي عملي ندارند، به مناسبي خاص و به يادگار مسأله ارزشمندي كه براي كل جامعه مهم است، بنا شده‌اند. ايستگاه راه‌آهن، ساختمان يك كارخانه، ساختمان اداري و... با توجه به کاربردها ساخت و تزئين مي‌شود. در ساختمان بنا، علاوه بر هدف و فضا، جنس مواد نيز موضوع مهمي است كه متناسب با شرايط اقليمي و نقشه ساختمان از مصالح گوناگوني استفاده مي‌شود.

اولين گام در عكاسي معماري آگاهي از اين عوامل است.

عكاس بايد براي كسب اين اطلاعات و بازديد از بنا وقت كافي صرف کرده و هنگام بازديد زواياي متفاوت آن را ارزيابي كند. در مورد اغلب بناهاي تاريخي، مطلبي در كتابها و بعضاً دفترچه‌هاي راهنماي مربوطه چاپ شده كه براي شروع، راهنمايي‌هاي مناسبي در اختيار عكاس قرار مي‌دهد.

تجهيزات مورد نياز

۱- دوربين: ثبت و ضبط دقيق‌ترين جزئيات در عكاسي معماري ضروري است و بايد با وسواس، تصويرهايي با كيفيت بسيار خوب ارائه كرد. بنابراین، در عكاسي معماري اغلب از دوربين‌هاي قطع بزرگ و قطع متوسط يا از دوربينها و بك ديگيتال با كيفيت بالا استفاده مي‌شود.

در عكاسي معماري بايد خطوط و سطوح عمودي بنا در تصوير كاملاً عمودي باشند و چون با دوربين‌هاي قطع بزرگ به سادگي مي‌توان پرسپكتيو صحنه را كنترل و اصلاح و خطوط و سطوح را عمودي ثبت كرد، از اين دوربينها بيشتري استفاده مي‌شود.

البته با دوربينهاي SLR و لنزهاي Perspective Correction نيز مي‌توان به عكاسي معماري پرداخت. با لنزهاي Perspective Correction تا حدودي مي‌توان پرسپكتيو را كنترل كرد و يا در صورت عدم دسترسي به لنزهاي Perspective Correction تلاش شود كه در حد مقدور خطوط عمودي ساختمان دچار اغتشاش نشود و تصويرهايي با كيفيت مطلوب ارائه شود.

به عبارتي ديگر از اصول اوليه عكاسي معماري، كج نبودن خط افق در تصوير، عمود بودن كامل ساختمان و خطوط و سطوح عمودي آن در تصوير است، اما در مورد بناهاي مدرن كه كيفيت گرافيكي نماي آنها چشمگيرتر است، مي‌توان از زواياي غيرمتعارف و وجود پرسپكتيو سود جست و اندكي از اصول اوليه چشم‌پوشي كرد.

استفاده از نماهاي نامتعارف در ساختمانها مدرن

۲- سه پايه: عكاساني كه به كيفيت و وضوح كامل تصوير خود مي‌انديشند، استفاده از سه پايه عكاسي را بسيار جدي تلقي مي‌كنند. از سويي ديگر براي اينكه تصوير از بيشتري وضوح برخوردار باشد، نبايد در محيط‌هاي كم‌نور يا فضاهي داخلي بدون آنكه دوربين بر روي سه پايه نصب باشد، اقدام به عكاسي كرد.

۳- حساسيت زياد و فوق‌العاده زياد كمتر در عكاسي معماري مورد استفاده قرار مي‌گيرند. زيرا حساسيت زياد با افزايش دانه‌ها، جزئيات تصوير را كاهش مي‌دهند. از اين رو استفاده از فيلم يا حالتهايي با حساسيت متوسط و كم براي كاهش دانه‌ها و افزايش جزئيات در تصوير ضروري است.

۴- فیلتر: فیلترهاي زرد، نارنجي و قرمز در عكاسي سياه و سفيد براي تشديد كنتراست ابرها و آسمان و كنترل تيرگي آسمان و فیلتر پولاريزه براي از بين بردن انعكاس‌هاي نامطلوب در شيشه‌ها و همچنين تيره‌کردن آسمان در عكاسي رنگي بيشتري استفاده را در عكاسي معماري دارد. همچنين فیلترهاي تصحيح در عكسبرداري رنگي از فضاهي داخلي كه با منابع نور مختلف روشن شده است، کاربرد دارد.

نقش نور در عكاسي معماري

اجسام گوناگون موجود در طبيعت داراي سه بُعد طول، عرض و ارتفاع هستند كه مجموع اين ابعاد، حجم را به وجود مي‌آورد. اما هنگامی كه اجسام به تصوير در مي‌آيند، خصوصيات سه بُعدی آنها بر روي سطحي دو بُعدی نمايان مي‌شود. درست است كه توقع نداريم ابعاد حجم را در تصوير لمس كنيم، اما به كمك سايه‌روشنه‌اي كه بر روي حجم مورد نظر تشكيل مي‌شود، مي‌توان احساس حجم و برجستگي را در تصوير ايجاد كرد.

حجم‌هايي كه به طور يكنواخت و يكدست روشن شده باشند و يا به طور يكدست در سايه قرار گيرند در تصوير از برجسته‌نمايي

مطلوبی برخوردار نیستند. بنابراین، نور در عکاسی معماری اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد.

اغلب عکاسان برای عکاسی معماری و منظره مایل به استفاده از نور مایل صبحگاهی یا هنگام عصر هستند چرا که این نور کنتراست متعادلی دارد. اما نور نیمه روز به خصوص در فصل تابستان شدید است و سایه‌هایی عمیق ایجاد می‌کند. در عکاسی معماری ایده‌آل آن است که نمای اصلی ساختمان و یا قسمتی که در تصویر مورد توجه اصلی قرار می‌گیرد، در معرض تابش نور قرار گرفته و در سایه نباشد.

بهتر است نماهای رو به مشرق هنگام صبح که آفتاب به آنها می‌تابد و بناهایی که نمای اصلی آنها رو به مغرب است، هنگام عصر عکسبرداری شوند. هنگام عکسبرداری در نور صبحگاهی، برای اینکه بنا در تصویر از برجسته‌نمایی بهتری برخوردار باشد ترجیح دارد سایه‌هایی که در سمت چپ ساختمان ایجاد می‌شود، در تصویر بگنجانید و هنگام عکسبرداری از بنا در غروب بهتر است زاویه عکسبرداری اندکی به سمت راست بنا متمایل باشد تا سایه‌های ایجاد شده نیز در تصویر بیاید.

نورهای بسیار ملایم و بدون سایه مانند نور هوای ابری یا مه‌آلود، احساس برجسته‌نمایی را در تصویر کاهش می‌دهد.

عکسبرداری از بناهای تاریخی و قدیمی در شب هنگام (زیر نور ماه) حالت جالبی را برای نشان دادن قدمت آنها به وجود می‌آورد.

همچنین اغلب بناها هنگام شب زیباترند، به ویژه اگر از آنها عکس رنگی گرفته شود. تداخل و ترکیب رنگهای حاصل از نورهای مختلف موجود نیز بر جلوه و زیبایی تصویر می‌افزاید. دقت در نورسنجی استفاده از سه پایه و سیم دکلانشور نکات مهم در این شرایط است. با نصب این سیم در محل مخصوص و هنگام فشردن آن به خصوص در استفاده از سرعتهای کم‌شاتر، دوربین دچار کمترین لرزش شده و از وضوح تصویر کاسته نمی‌شود.

عکاسی از بناهای معماری در وضعیت ضد نور تصویری را می‌سازد که فقط کلیاتی از ساختمان دیده می‌شود. در حالت ضد نور چون منبع نور پشت بنا و رو به عکاسی است، موضوع کاملاً تیره دیده می‌شود و حالتی مرموز به خود می‌گیرد.

عکسبرداری از جزئیات ساختمان

علاوه بر نمای کلی، جزئیات قابل توجه بنا از قبیل نقش و نگارها، کاشی‌کاریها و تزیینات روی دیوارها موضوع‌های خوبی برای عکاسی معماری تلقی می‌شود. استفاده از نور مایل به ویژه برای عکسبرداری از نقوش برجسته و کنده‌کاری شده و همچنین درهای حجاری شده برای تأکید بر برجستگی‌ها و نقوش آنها ایده‌آل است.

برای اینکه ابعاد و شکل جزئیات مورد عکسبرداری دچار اغراق یا اغتشاش نشود، بهتر است از لنزهای تله و حتی‌المقدور از نمای کاملاً روبرو عکسبرداری انجام شود.

لنزهای گوناگون تأثیرات مختلفی در تصویر نهایی به جا می‌گذارند. لنزهای واید در فواصل نزدیک ابعاد و تناسبهای سطوح نزدیک را درشت‌تر کرده و آنها را دچار دگرگونی می‌کند و سطوح دورتر را کوچکتر نمایان ساخته و فضای گسترده‌تری را به تصویر می‌کشد. لنزهای تله برای عکسبرداری از فاصله دور یا عکسبرداری از جزئیات بنا با درشت‌نمایی بیشتر مناسبتر است. این لنزها زاویه دید بسته‌تری دارند و فضای کمتری را به تصویر می‌کشند اما اگر از فاصله‌ای مناسب که کل بنا در تصویر بگنجد عکسبرداری انجام شود با این روش خطوط، سطوح و ستونهای موازی عمودی بنا در تصویر موازی و عمودی دیده می‌شود. در صورت عدم دسترسی به دوربینهای قطع بزرگ یا لنزهای Perspective Correction روش مفیدی برای اصلاح پرسپکتیو در عکاسی معماری است.

حذف زواید: اگر در فضای جلو بنا عوامل زائدی مانند تیرچراغ برق، درخت و مانند اینها وجود داشته باشد می‌توان به بنا نزدیکتر شد و از لنزهای واید استفاده کرد. بدین ترتیب عوامل نامطلوب از کادر تصویر خارج می‌شود.

قاب‌کردن بنای معماری: هنگام عکسبرداری با لنزهای واید، اغلب فضای آسمان زیادی در تصویر وجود دارد. برخی از عکاسان ترجیح می‌دهند آسمان یکدست و صاف در تصویر نباشد. در این صورت با افزودن چند شاخ و برگ در قسمت بالای تصویر فضای خالی آسمان را پر می‌کنند.

درخت و شاخ و برگ آن نباید روی ساختمان را بپوشاند. این شیوه را اصطلاحاً قاب‌کردن نیز می‌نامند. قاب‌کردن با عناصر و عوامل موجود در محیط صورت می‌گیرد.

ابتدا باید زاویه دید مناسب دوربین پیدا شود سپس در شرایط نوری مطلوب لنز مناسب انتخاب و عکسبرداری صورت گیرد.

برای اینکه بتوان بُعد و حجم بنا را در تصویر نشان داد و کمپوزیسیونهای جالبتری ایجاد کرد، باید زوایای متنوعی را جستجو کرد. چنین نیست که در عکاسی معماری همیشه از زاویه روبرو آن هم از فاصله‌ای نسبتاً دور که نمای ساختمان در تصویر گنجانده شود، عکسبرداری صورت گیرد. مثلاً می‌توان به یکی از سطوح ساختمان به گونه‌ای نزدیک شد که سطح جانب دوربین در پلان اول تصویر بزرگتر دیده شود و مابقی در پلانهای بعدی قرار گیرد. در چنین مواقعی نیز باید تمام صحنه از وضوح کافی برخوردار باشد و سطوح و خطوط عمودی بر قاعده تصویر عمود قرار گیرند و اگر از لنز واید استفاده می‌شود، نباید اعوجاج ایجاد شود، بنابر این استفاده از لنزهای واید Perspective Correction و در صورت عدم دسترسی از لنزهای واید ۳۵ میلیمتری یا حداکثر ۲۸ میلیمتری توصیه می‌شود.

توجه به محیط اجتماعی و جغرافیایی پیرامون بنا اهمیت ویژه‌ای دارد. باید رابطه و موقعیت بنای معماری را با منظره اطراف آن در نظر گرفت.

وجود عامل زنده در بنا: بنای معماری، موجودی زنده نیست، باید دقت کرد که حضور موجودات زنده در تصویر بیشترین توجه را به خود جلب می‌کند در مورد حالت و محل قرار گرفتن آنها دقت کنید و توجه داشته باشید که فضای کمی را اشغال کند و لطمه‌ای به کل تصویر نزند. البته وجود این عوامل مقیاس مناسبی برای نشان دادن ابعاد ساختمان است.